دکتر صادق زیباکلام در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

مناظره‌ها برای «کوبیدن دولت» و «مشارکت حداقلی» است

عکس: آرمان‌ملی /فاطمه فتاحی

احتمال کناره‌گیری جلیلی، زاکانی و قاضی‌زاده به سود رئیسی وجود دارد

داستان ۸۴ تا ۹۲ در حال تکرار شدن است

احتمال کناره‌گیری رئیسی به سود جلیلی بسیار پایین است

مهم‌ترین اتفاق پس از انتخابات یکدستی قدرت است

حضور سیدحسن خمینی می‌توانست انتخابات را دوقطبی کند

آرمان ملی -احسان انصاری: در حالی که کمتر از یک هفته تا برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری باقی نمانده اما جریان اصلاحات همچنان قصد حمایت همه جانبه از یکی از کاندیدای انتخاباتی را ندارد. به همین دلیل نیز شانس پیروزی اصولگرایان در یک انتخابات با مشارکت حداقلی وجود دارد. این در حالی است که گمانه‌زنی‌های انتخاباتی از احتمال کناره‌گیری برخی از کاندیداهای اصولگرا به سود ابراهیم رئیسی برای جلوگیری از شکسته شدن آرا دارد. اصولگرایان به خوبی به این نکته آگاهی دارند که هر چه میزان آرای دولت بعدی بیشتر باشد به همان اندازه از پایگاه اجتماعی بیشتری برخوردار هستند. نکته دیگر برگزاری مناظره‌های انتخاباتی بوده که با واکنش‌های متفاوتی همراه است. به همین دلیل و برای تحلیل و بررسی معادلات انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰ «آرمان ملی» با دکتر صادق زیباکلام، تحلیلگر مسائل سیاسی و استاد دانشگاه گفت‌وگو کرده است. دکتر زیباکلام معتقد است: «احتمال اینکه آقای رئیسی به سود آقای جلیلی صحنه انتخابات را ترک کند، بسیار کم است. اگر اصولگرایان چنین هدفی را دنبال می‌کردند اصراری برای ثبت‌نام آقای رئیسی در انتخابات وجود نداشت. با این وجود احتمال عکس این قضیه وجود دارد و این احتمال وجود دارد که آقایان جلیلی، زاکانی و قاضی‌زاده‌هاشمی یا هر سه به سود آقای رئیسی از انتخابات کناره‌گیری کنند. این سه نفر به همراه آقای رضایی به خوبی به این نکته آگاهی دارند که در مقابل آقای رئیسی به عنوان کاندیدای محافظه‌کاران شانسی برای پیروزی در انتخابات نخواهند داشت. به هر حال هر کدام از این کاندیداها دارای یک تا دو میلیون رأی خواهند بود که این میزان رأی از سبد آقای رئیسی خواهد بود. به همین دلیل برای اینکه آرا شکسته نشود این احتمال وجود دارد آقای جلیلی، زاکانی و قاضی‌زاده‌هاشمی به سود آقای رئیسی از انتخابات کناره‌گیری کنند». در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

ارزیابی شما از ترکیب کاندیداهای انتخابات ریاست‌جمهوری چیست؟ آیا با این ترکیب می‌توان منتظر تحول جدی در مدیریت کشور و حل مشکلات مردم بود؟

نظام سیاسی درباره انتخابات ۱۴۰۰ با دو استراتژی مواجه بود. نخست اینکه در چهار سال آینده، رئیس‌جمهوری روی کار بیاید که مورد اعتماد باشد و هیچ شائبه و تقابلی با سیاست‌های کلی نداشته باشد. دوم اینکه رئیس‌جمهوری روی کار بیاید که دارای عزم و اراده و فکر مستقل باشد. تفکراتی که زیاد هم با دیدگاه‌های کلی نظام همراه و همسو نباشد. بنده معتقدم نظام به هر دلیلی استراتژی نخست را ترجیح داد تا رئیس‌جمهوری روی کار بیاید که در کادرهای مشخص و تعریف شده نظام حضور داشته باشد. به صورت طبیعی انتخاب این استراتژی، انتخابات پرشوری را به وجود نمی‌آورد. از سوی دیگر دو قطبی نیز در انتخابات شکل نمی‌گرفت. این در حالی بود که از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۷۶ به بعد همواره انتخابات ریاست‌جمهوری به صورت دوقطبی برگزار شد. این دوقطبی‌ها نیز رقابت‌های انتخاباتی را جدی و فعال می‌کرد و به همین دلیل میزان مشارکت افزایش پیدا می‌کرد. با این وجود هنگامی که شما به دنبال رئیس‌جمهوری هستید که زیاد مشکل‌آفرینی و دردسرآفرینی ایجاد نمی‌کند، باید به سمت انتخاباتی حرکت کنید که زیاد هم پرشور و پررونق نباشد. به همین دلیل تصمیم خود را گرفته‌اند و این استراتژی در همه مراحل انتخابات قابل مشاهده بود. مرحله نخست در زمان ثبت نام کاندیداها بود. سیدحسن خمینی می‌توانست در انتخابات یک وضعیت دو قطبی ایجاد کند. این در حالی است که از ایشان خواسته شد در انتخابات شرکت نکند. از سوی دیگر علی لاریجانی و اسحاق جهانگیری نیز می‌توانست این دوقطبی را در انتخابات به وجود بیاورد که هر دو ردصلاحیت شدند. همه ما می‌دانیم که آقای عبدالناصر همتی یا محسن مهرعلیزاده در قالبی نیستند که بتوانند این دو قطبی را در انتخابات به وجود بیاورند و در نتیجه رقابت را به یک حداقل تقلیل می‌دهند. در چنین شرایطی شاید میزان مشارکت در انتخابات چیزی بالاتر از ۳۰ درصد یا در همین حدود باشد اما در نهایت کسی که انتخاب می‌شود آقای رئیسی خواهد بود؛ رئیس‌جمهوری که در چهار سال آینده با نهادهای قدرت همسو و همراه خواهد بود. به همین دلیل هر نگاهی به انتخابات را باید متأثر از این استراتژی بدانیم. البته هیچ نظام سیاسی به دنبال مشارکت پایین مردم در انتخابات نیست و به هر حال مشارکت بالا را ترجیح می‌دهد. این در حالی است که نظام جمهوری اسلامی به‌دلیل وضعیت امروز جامعه بیش از هر نظام سیاسی‌ای علاقه‌مند است که مردم در انتخابات حضور داشته باشند. اگر قرار است این اتفاق رخ بدهد باید یک دوقطبی در انتخابات شکل بگیرد که نتیجه آن نیز مشارکت بالا خواهد بود. البته در چنین شرایطی این احتمال وجود دارد کسی به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شود که زیاد هم با سیاست‌های کلی همسو و همراه نباشد. به هر حال استراتژی نخست انتخاب شده؛ هر چند این احتمال را می‌دهند که میزان مشارکت در انتخابات پایین‌تر از گذشته باشد. شاید یک ماه پس از انتخابات مسائل مطرح شود مبنی بر دلایل مشارکت پایین اما پس از مدتی این مسأله اهمیت خود را از دست می‌دهد و به جای آن نظام دارای رئیس‌جمهوری خواهد شد که با آن مشکلی نخواهد داشت.

> سیدحسن آقا خمینی می‌توانست در انتخابات یک وضعیت دوقطبی ایجاد کند. این در حالی است که از ایشان خواسته شد در انتخابات شرکت نکند. از سوی دیگر حضور علی لاریجانی و اسحاق جهانگیری نیز می‌توانستند این دوقطبی را در انتخابات به وجود بیاورند که هر دو ردصلاحیت شدند

آیا برگزاری مناظره‌ها توانسته معادلات انتخاباتی را تغییر بدهد؟

برگزاری مناظره‌ها هم نمی‌تواند زیاد از استراتژی‌ای که ذکر کردم، جدا باشد و در همان راستاست. هنگامی که کاندیداهایی در انتخابات شرکت دارند که زمینه‌ساز دوقطبی نیستند و مشارکت بالای مردم را فراهم نمی‌کنند به صورت طبیعی نیز مناظره‌ها در همان سطح قرار می‌گیرد. با این وجود معتقدم صدوسیما می‌توانست به صورت جدی‌تری به مناظره‌ها نگاه کند و اعتبار بیشتری به آن بدهد. این در حالی است که زحمت این کار را به خود نداده است. سوالاتی که در مناظره‌ها پرسیده می‌شود کلیشه‌ای و سطح پایین است و پاسخ‌های آنها از قبل مشخص است. به نظر می‌رسد انگیزه اصلی صداوسیما در ارائه پرسش‌ها به شکلی است که از هر کدام از کاندیداها سوالی مانند وضعیت نظام بانکی پرسیده شود، از این وضعیت انتقاد می‌کند و خواستار اصلاح ساختارهای نظام بانکی خواهد شد. این وضعیت در زمینه‌های فرهنگی، آموزش و پرورش، صادرات و واردات نیز به همین صورت است. ذات پرسش‌ها به شکلی است که باید به دولت انتقاد کرد که این کار را کردند و باید دولت را می‌کوبیدند که این کار را هم انجام داده‌اند. به نظر می‌رسد ظاهرا این موضوع برای صداوسیما نسبت به میزان مشارکت مردم در انتخابات از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است.

به چه میزان این احتمال وجود دارد که برخی از کاندیداهای اصولگرا به سود دیگری کناره‌گیری کنند؟

احتمال اینکه آقای رئیسی به سود آقای جلیلی صحنه انتخابات را ترک کنند، بسیار کم است. اگر اصولگرایان چنین هدفی را دنبال می‌کردند اصراری برای ثبت‌نام آقای رئیسی در انتخابات وجود نداشت. با این وجود احتمال عکس این قضیه وجود دارد که آقایان جلیلی، زاکانی و قاضی‌زاده‌هاشمی یا هر سه به سود آقای رئیسی از انتخابات کناره‌گیری کنند. این سه نفر به همراه آقای رضایی به خوبی به این نکته آگاهی دارند که در مقابل آقای رئیسی به عنوان کاندیدای محافظه‌کاران شانسی برای پیروزی در انتخابات نخواهند داشت. به هر حال هر کدام از این کاندیداها دارای یک تا دو میلیون رأی خواهند بود که این میزان رأی از سبد آقای رئیسی خواهد بود. به همین دلیل برای اینکه آرا شکسته نشود این احتمال وجود دارد که آقایان جلیلی، زاکانی و قاضی‌زاده‌هاشمی به سود آقای رئیسی از انتخابات کناره‌گیری کنند. حتی اگر نظام احساس کند میزان مشارکت در انتخابات بسیار پایین خواهد بود، ممکن است آقای محسن رضایی نیز به سود آقای رئیسی از انتخابات کناره‌گیری کند. در چنین شرایطی هر چهار گزینه اصولگرایان به سود آقای رئیسی از انتخابات کناره‌گیری خواهند کرد.

> سوالات و رویکرد برنامه‌های صداوسیما به شکلی طراحی شده است که هر کسی در مقام پاسخگویی باشد دولت حسن روحانی را مقصر معرفی کند. در عمل نیز مشاهده کرده‌ایم هر سوالی که از پنج کاندیدای اصولگرا پرسیده می‌شد آن را به شکلی به عملکرد دولت ارتباط می‌دادند، به دولت حمله می‌کردند و عملکرد آن را زیر سوال می‌بردند. این در حالی است که هیچ‌کدام از این کاندیداها کاری به سایر بخش‌های حاکمیت نداشتند

شرایط اصلاح‌طلبان را برای حمایت از گزینه‌های موجود در انتخابات چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا شرایط به شکلی است که اصلاح‌طلبان بتوانند روی یکی از گزینه‌های همتی یا مهرعلیزاده به اجماع نهایی دست پیدا کنند؟

بخش‌هایی از اصلاح‌طلبان وجود دارد که معتقدند چرا باید اصرار کنیم که حتماً در انتخابات شرکت کنیم و چرا باید اصرار داشته باشیم و چرا اصرار کنیم فردی که اصلاح‌طلب نیست؛ بلکه به اصلاح‌طلبان نزدیک است به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شود. برخی معتقدند این رویکرد که در گذشته درباره آقای روحانی وجود داشته در نهایت به زیان اصلاح‌طلبان تمام شده است. امروز ما آش نخوره و دهان سوخته هستیم یا به عبارتی هم چوب را خوردیم هم پیاز را. در ظاهر ما در انتخابات شرکت کرده‌ایم و در ظاهر نیز آقای روحانی، جمهور برآمده از خاستگاه اصلاح‌طلبی است. این در حالی است که آقای روحانی هیچ گامی در راستای تقویت گفتمان اصلاحات برنداشته است. به علاوه اینکه درباره سیاست‌های کلی نظام در جای دیگری تصمیم‌گیری می‌شود و اساساً رئیس‌جمهور دارای اختیارات بالایی نیست. سوال این عده این است که چرا تصمیمات باید جای دیگری گرفته شود اما هزینه آن را آقای روحانی بپردازد. پس اجازه بدهید رئیس‌جمهور نیز از خودشان باشد. این عده براین باور هستند در شرایطی که قوه مقننه و قضائیه در اختیار جریان محافظه‌کار است، پس اجازه بدید قوه مجریه نیز در اختیار آنها قرار بگیرد تا لااقل تکلیف مشخص باشد و خودشان پاسخگوی عملکرد خودشان باشند. در چنین شرایطی نمی‌توانند مشکلات و سوءمدیریت را به گردن رئیس‌جمهور و جریان اصلاحات بیندازند. این عده از اصلاح‌طلبان معتقدند بگذارید تکلیف مردم مشخص باشد که دولت نیز در اختیار خودشان است و به همین دلیل کسی نتواند تقصیرها را به گردن دولت آقای روحانی بیندازد.

> دولت آقای رئیسی و صداوسیما درباره برجام ۱۴۰۰ عنوان خواهند کرد که در این برجام امتیازات کمی داده شده و اگر امتیازی هم داده شده در مقابل امتیازات مهمی نیز گرفته شده است. در چنین شرایطی اگر مردم ایران در مقابل کرونا واکسینه شوند نیز این اظهارات را در نماز جمعه بیان خواهند کرد

آقای روحانی در واکنش به انتقادات و هجمه‌هایی که علیه دولت در مناظره‌ها صورت گرفته واکنش نشان داده و خواستار تنویر افکار عمومی در این زمینه شده است. چرا اصولگرایان به صورت متحد تلاش می‌کنند دولت حسن روحانی را مقصر به وجود آمدن وضعیت فعلی جامعه معرفی کرده و دیگران را مبرا کنند؟

سوالات و رویکرد برنامه‌های صداوسیما به شکلی طراحی شده است که هر کسی در مقام پاسخگویی باشد دولت حسن روحانی را مقصر معرفی کند. در عمل نیز مشاهده کرده‌ایم هر سوالی که از پنج کاندیدای اصولگرا پرسیده می‌شد آن با شکلی به عملکرد دولت ارتباط می‌دادند، به دولت حمله می‌کردند و عملکرد آن را زیر سوال می‌بردند. این در حالی است که هیچ‌کدام از این کاندیداها کاری به سایر بخش‌های حاکمیت نداشتند و شرایط را به شکلی جلوه می‌دادند که دولت مقصر اصلی وضعیت موجود جامعه است. مشخص بود که مناظره‌ها ابزاری است برای انتقاد و بی‌اعتبار کردن بیشتر دولت. در این بین برخی اظهارات از سوی آقای همتی عنوان شد که زیاد خوشایند آقای رئیسی و دیگر کاندیداهای اصولگرا نبود. حاصل این وضعیت نیز این بود که پوسترهای آقای همتی را در برخی نقاط و حتی در قم پاره کردند یا آن را آتش زدند. این اقدامات را نیز نمی‌توان به نظام منتسب کرد؛ چراکه این اقدامات را نیروهای خودسر انجام می‌دهند.

با توجه به شرایط انتخابات، پس از انتخابات شاهد چه وضعیتی در کشور خواهیم بود؟ آیا شرایط به شکلی رقم خواهد خورد که مشکلات مردم کاهش پیدا کند؟

مهمترین اتفاقی که پس از انتخابات رخ خواهد داد، یکدستی قدرت خواهد بود و به نظر می‌رسد داستان ۸۴ تا ۹۲ در حال تکرار شدن است و همه بخش‌های حاکمیت از یک طیف سیاسی خواهند بود. برخی از اصلاح‌طلبان معتقدند از ابتدا نیز اشتباه کردیم که وارد شراکت با آقای روحانی شدیم. هیچ تغییر و تحول مثبتی در دوران ریاست‌جمهوری آقای روحانی رخ نداد و این وضعیت در نهایت باعث بدنامی جریان اصلاحات شد. تحول مهم دیگری که رخ خواهد داد برجام ۱۴۰۰ است که جزو اولین اقدامات دولت آقای رئیسی خواهد بود. بنده معتقدم برجام ۱۴۰۰ دو بخش خواهد داشت. در بخش نخست، که بخش کوتاه مدت برجام ۱۴۰۰ خواهد بود، بخش‌هایی از دارایی‌های ایران آزاد خواهد شد. پول‌هایی که ما بابت فروش نفت از کشورهایی مانند کره‌جنوبی، چین، ژاپن و هند طلبکار هستیم، آزاد خواهد شد. حدس زده می‌شود این پول‌ها بین ۴۰ تا ۸۰ میلیارد دلار خواهد بود. حتی اگر ۱۰ یا ۲۰ درصد این پول‌ها نیز آزاد شود رقم قابل‌توجهی خواهد بود. در این راستا آقای همتی هم عنوان کردند درآمد ارزی ایران نزول پیدا کرده است؛ یعنی از ۴۰ میلیارد به ۹ میلیارد تنزل پیدا کرده است. برای کشوری که در شرایط کنونی ۹ میلیارد درآمد ارزی دارد آزاد شدن ۱۰ درصد از پول‌های بلوکه‌شده رقم قابل‌توجهی خواهد بود و معادل یک سال درآمد ارزی است. البته با توجه به تجربه آمریکایی‌ها از برجام ۱۳۹۴ همه این پول‌ها را به صورت اسکناس در اختیار ایران قرار نخواهند داد یا همه این پول‌ها در حسابی نخواهد بود که ایران بتواند به راحتی به آن دسترسی پیدا کند. بخش‌هایی از این پول در اختیار ایران قرار خواهد گرفت و بخشی نیز به صورت واکسن کرونا یا ماشین‌آلات و کالا خواهد بود. این وضعیت در کوتاه‌مدت سبب رونق اقتصادی و کاهش تورم خواهد شد. در مقابل آمریکایی‌ها به‌دنبال این هستند که ایران دوباره زیرنظر آژانس فعالیت‌های هسته‌ای خود را دنبال و آژانس به صورت کامل برنامه هسته‌ای ایران را کنترل کند. در چنین وضعیتی زندانیان دوتابعیتی، که به اتهام جاسوسی در زندان هستند، ممکن است توسط ایران آزاد شوند. این وضعیت درباره زندانیان آمریکا نیز وجود دارد و ممکن است بین دو کشور تبادل زندانی صورت بگیرد. بخش دوم برجام ۱۴۰۰ پیچیده‌تر خواهد بود. آمریکا و کشورهای اروپایی خواستار کنترل نظامی ایران و کنترل برنامه موشکی ایران هستند. این در حالی است که با دخالت ایران در کشورهای منطقه نیز مشکل دارند. این مسائلی است که ایران تاکنون آنها را نپذیرفته و معتقد است برنامه موشکی خود را ادامه خواهد داد. اینکه ایران به چه میزان از مواضع خود عقب‌نشینی خواهد کرد مسأله‌ای است که در بلندمدت خود را نشان خواهد داد. دولت آقای رئیسی و صداوسیما درباره برجام ۱۴۰۰ عنوان خواهند کرد در این برجام امتیازات کمی داده شده و اگر امتیازی هم داده شده در مقابل امتیازات مهمی نیز گرفته شده است. در چنین شرایطی اگر مردم ایران در مقابل کرونا واکسینه شوند نیز این اظهارات را در نماز جمعه بیان خواهند کرد.

یادمان

روحانی که اهل ریاکاری نبود

آیت‌ا... سید حسین موسوی تبریزی
فعال سیاسی اصلاح‌طلب

از درگذشت سید علی‌اکبر محتشمی پور، جانباز انقلاب اسلامی بسیار بسیار متاثر شدم چرا که یک دوست صمیمی، شخصیت فهمیده و از خود گذشته را از دست داده‌ایم. من با آقای محتشمی پور همسن هستیم و هر کدام‌مان به فاصله ۲ یا ۳ ماه به قم آمده‌ایم و باهم آشنا شده‌ایم. در همان سال اولی که امام از ترکیه به نجف تبعید شده بودند؛ با اقای محتشمی پور به نجف رفتیم. البته به من به قم برگشتم اما ایشان تا آخر در کنار امام خمینی(ره) ماندند. به درس و بحث پرداختند و همیشه مورد توجه امام بودند. بعد از پیروزی انقلاب نیز در وزارت کشور و مسائل دیگر همیشه یاور امام و نظام بودند. پس از آن هم به نجف بازگشتند و مسئولیت اداره و مدیریت کتابخانه، منزل و بیت رهبری را به عهده گرفتند که فضا و طلبه‌ها در آن مکان درس می‌خواندند. شخصیت آقای محتشمی‌پور، اهل هوا و هوس نبود. او هیچگاه از مردم فاصله نگرفت و همواره به آنان کمک می کرد. خدایش او را رحمت کند. ایشان اهل ریاکاری، حقه بازی و سوء استفاده از جایگاه و مناصب خود نبود. البته این صفا و صمیمت، اعتقاد به انقلاب، اخلاص در نیت افراد، در زمان انقلاب و حتی در زمان جنگ در میان همه افراد علی الخصوص پاسداران، سپاهیان، بسیجیان و ارتشی ها و مسئولانی چون آقای محتشمی پور وجود داشت. به خاطر دارم زمانی به دیدن امام خمینی(ره) رفته بودی؛ گروهی در آنجا بودند که گریه می کرده و می گفتند می خواهند شهید شوند. امام نیز در پاسخ می گفت که من دعا می کنم در جنگ پیروز شوید؛ سالم بیایید تا مملکت را اداره کنید. همچین تفکری در آن زمان وجود داشت که در حال حاضر کمرنگ تر و کم‌سوتر شده است. به خانواده، همسر و فرزندان ایشان و همچنین دوستاداران ایشان، درگذشت آقای محتشمی پور را تسلیت می گویم.

نگاه

واقعی شدن دستمزدها؛ خواسته قانونی کارگران

فرامرز توفیقی
رئیس کمیته دستمزد کانون اسلامی کار

یکی از مهمترین مواردی که مدنظر کارگران است و سال‌هاست اجرایی نشده امنیت شغلی است، سال ۱۳۷۲ بود که بخشنامه‌ای توسط وزارت کارِ وقت صادر شد و در آن به استعلام تعدادی از شرکت‌های خصوصی که پرسیده بودند آیا قراردادهای موقت در صورت تمدید، دائمی تلقی می‌شود یا نه، پاسخ داده شد که نه، این قراردادها در صورت تمدید، کماکان موقت هستند. به دنبال آن، اعتراضات و شکایاتی به دیوان عدالت شد که دیوان در سال ۱۳۷۵، دادنامه ۱۷۹ هیات عمومی را صادر کرد. در آن دادنامه به صراحت گفته شد مستفاد از مفهوم مخالف تبصره دو ماده هفت قانون کار مصوب سال ۱۳۶۹، در صورت ذکر مدت در قرارداد کار، قرارداد تنظیمی موقت و غیردائمی خواهد بود. این دادنامه دیوان، به دستورالعمل ۳۵۷۲۳ وزارت کار که اعتقاد داشتیم خلاف قانون کار است، وجهه قانونی بخشید. بنابراین از سال ۱۳۷۵ به این سو، با در اختیار داشتن این حربه قانونی، قراردادهای موقت کار افزایش یافت و هیات‌های تشخیص و حل اختلاف قانون کار نیز به استناد همین رای دیوان عدالت اداری، قراردادهای موقت را در کارهای با ماهیت مستمر، قانونی دانستند و ترویج کردند. آنچه برای کارگران مهم است تعیین تکلیف تبصره دو ماده ۷ قانون کار است تا کارگران مشاغل مستمر تعیین تکلیف شوند و وزارت کار با تعریف درست از مشاغل مستمر و تعیین مدت زمان انعقاد قراردادهای کار فی‌مابین کارگران و کارفرمایان، امنیت شغلی را برای کارگران کارهای مستمر و دائم حاکم کند، دغدغه امروز کارگر این است. انتظار داریم که کاندیداها جلسه‌ای با کارگران بگذارند و دغدغه کارگران را بشنوند. درحالی که سبد معیشت کارگران نزدیک به ۷ میلیون تومان تعیین شده و حقوق یک کارگران حدود ۴ میلیون است، اما باز هم مشمول مالیات می‌شود و باید مالیات بپردازد. توجه به حاشیه‌نشینی در بین کارگران و افزایش فقر مساله‌ای است که باید به آن پرداخته شود. همه نگران مالیات و سود و حاشیه سود کارفرمایان هستند؛ چرا هیچ‌کس به درآمد و مالیات بر درآمد کارگران توجهی ندارد؟ همین الان کارگر حداقل‌بگیری که چهار میلیون و خرده‌ای درآمد دارد، چون سقف معافیت مالیاتی ۴ میلیون تومان است، باید ماهیانه مالیات بپردازد؛ مثلا اگر دستمزدش ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان است، باید ماهی ۲۰ هزار تومان مالیات بدهد! این در حالی است که کمیته سبد معیشت خانوار، ۶ میلیون و ۸۹۵ هزار تومان است و با این حساب، کارگران حداقل‌بگیر همگی زیر خط فقرند؛ زیر خط فقر هستند اما بازهم به دولت مالیات می‌دهند! ماده ۴۱ قانون کار موضوعی است که باید مورد توجه رئیس‌جمهور آینده باشد. موضوع مسکن باید با برنامه دنبال شود. ارائه برنامه‌هایی در زمینه مسکن که پشتوانه دقیق ندارد دردی از درد مردم دوا نمی‌کند. افزایش حق مسکن دوای درد جامعه کارگری نیست و باید ماده ۴۱ قانون کار اجرا شود. در راستای چارچوب ماده ۴۱ قانون کار به درستی اجرا و متناسب با شرایط اقتصادی کشور برای کارگران مزد تعریف شود، در افزایش قدرت خرید و کاهش هزینه‌های زندگی آنها اثرگذار است. اجرای ماده ۴۱ قانون کار بهترین ملاک تعیین دستمزد کارگران است، از گذشته تا به امروز ماده ۴۱ قانون کار تنها مبنا و ملاک تعیین دستمزد کارگران بوده است بنابراین، اجرای کامل قانون کمک می‌کند تا دستمزد کارگران به سمت واقعی شدن برود.

یادداشت

سطح مناظره‌ها و انتظارات مردم

مصطفی درایتی
فعال سیاسی اصلاح‌طلب

با نگاهی به این دوره از مناظرات انتخابات ریاست‌جمهوری مشاهده می‌شود که بداخلاقی خاصی در روش کار ملاحظه می‌کنیم. جناح تندرو تاکنون همه تبلیغاتش بر این اساس بوده که مشکلات مردم از اساس به خاطر مشکلاتی است که دولت پدید آورده است. برای همین هم تصور می‌کنند که اگر در مناظرات چه مرتبط با سوال طرح شده و چه بی‌ارتباط با آن بتوانند به آقای روحانی بتازند، این امر سبب می‌شود نظر رای‌دهندگان را به خود جلب کنند. البته خودشان نیز می‌دانند این روش درست نیست و اینگونه نیست که مردم تشخیص ندهند، ولی متاسفانه شکل مبارزه‌ها جوری شده که به جای اینکه یکسری سوال اصلی را مطرح کنند سوالات فرعی و حاشیه‌ای را طرح می‌کنند که ماحصل آن برای مردم چیزی جز شعار و وعده‌های توخالی نیست. حال اگر در همین مسائل حاشیه‌ای هم پرسیده شود که چه راهکاری برای حل آن دارید جز یکسری کلی‌گویی، که هر کسی می‌تواند آن‌گونه سخن بگوید، چیزی تحویل‌تان نخواهند داد. لذا مجموعا چیزی که در مناظرات می‌بینیم نه تحریکی برای توجیه جامعه برای حضور حداکثری است، نه اطلاعات افزوده‌ای از کاندیداها به جامعه داده می‌شود و نه معرف توانمندی‌های نامزدها برای مردم است. با توجه به تاییدصلاحیت‌ها سطح افراد حاضر نازل شده و با دیدن عملکرد این مناظرات انسان خجالت‌زده می‌شود. با توجه به اتفاقات اخیر پیرامون انتخابات و اینکه ۴۲ سال از انقلاب گذشته اگر بنا بر این باشد که این افراد بخواهند سکاندار مدیریت اجرایی کشور شوند نشان‌دهنده این است که انصافا در این فقره به مردم ظلم می‌شود. وقتی این همه افراد باسابقه، اجرایی‌تر، مسلط‌تر، با تجربه‌تر و حتی خیلی شجاع‌تر وجود دارند، چرا باید به این سطحی که به مردم عرضه شده برسیم؟ پرسش مردم این است که آیا حق ما این‌گونه مدیران هستند؟ این افراد هستند که می‌خواهند ۸۰ میلیون جمعیت را اداره کنند؟ آیا این افراد می‌خواهند مشکلات سنگین و شدیدی را که جلوی راه مدیریت اجرایی کشور است، بردارند؟ این چیزی که می‌بینیم به واقع توهین به مردم است، در این راستا انتظار می‌رود هر دوره که می‌گذرد با این حجم از نیروی انسانی که در کشور وجود دارند، افراد باتجربه‌تر، فهیم‌تر و مسلط‌تر به مسائل پای کار بیایند، اما وقتی این سطح را می‌بینیم باعث سرافکندگی می‌شود. تصورم این است که این مناظرات اثر چندان مثبتی روی مشارکت مردم نخواهد گذاشت، اینکه مردم در نهایت چه خواهند کرد قابل پیش‌بینی نیست و نمی‌توان ارزیابی دقیقی از آن داشت. در نتیجه مشخص نیست مردم چگونه با این مناظرات برخورد می‌کنند و چه عکس‌العملی نشان خواهند داد. آیا مانند دوره‌های قبل مشارکت می‌کنند یا به سمت دیگری می‌روند؟ داده‌هایی هم که از فضای مطبوعاتی و مجازی می‌آید، متناقض هستند و با هم همخوانی دقیقی ندارند. در هر حال باید منتظر بود و دید مسائل چگونه پیش می‌رود ولی مردم باید تا جایی که می‌توانند به حاکمیت این امر را منتقل کنند که چیزی که عرضه می‌شود، مطابق خواسته‌شان نیست. به هر حال یک عده هستند که برایشان مهم نیست مردم چه می‌خواهند، آنها باید منتظر باشند که با ادامه این شرایط اگر اتفاقی بیفتد مدیریتش سخت خواهد بود.

دیدگاه

وعده‌های پوپولیستی اثرگذار نیست

سیدحمید حسینی
دبیر کل اتاق بازرگانی ایران و عراق

به نظر می‌رسد خیلی از کاندیداها نتوانسته‌اند به یک‌سری سوالات به معنای اساسی پاسخ دهند که چرا برای ریاست‌جمهوری آمده‌اند؟ چه امتیازی نسبت به افراد دیگر دارند؟ وجه تمایزشان با افراد دیگر چیست که کاندیدا شده‌اند؟ حالا که برای انتخابات آمده‌اند، چگونه می‌خواهند موفق شوند؟ و نیز با چه کسانی راه را دنبال خواهند کرد؟ هیچ‌یک از کاندیداها حاضر نیستند که حرف عینی‌ای بگویند. بعضا صحبت‌هایی می‌کنند که با سابقه افراد اصلا همخوانی ندارد. برای مثال، الان می‌گویند که ما تلاش می‌کنیم اف‌ای‌تی‌اف حل شود، اما این سوال برای مردم مطرح است که وقتی این آقایان مسئولیت داشتند، موضوع اف‌ای‌تی‌اف حل نشد، پس چطور می‌خواهید این کار را بکنید. وعده‌های پوپولیستی دیگر روی مردم اثر ندارد. کاندیداها در بحث‌هایی که به عنوان برنامه و اقتصاد مطرح می‌کنند، واقعا در صحبت‌های آنها هیچ انسجامی دیده نمی‌شود. اما در مناظرات چیزی دست مردم را نمی‌گیرد؛ یعنی به‌گونه‌ای طراحی شده که مردم هیچ چیزی نتوانند بسنجند و رقابتی بین کاندیداها ایجاد نمی‌کند که برای مردم قابل‌شناسایی باشد. کاندیداها سعی می‌کنند وارد بحث برجام نشوند. بالاخره صداوسیما و دست‌اندرکاران اصرار دارند در این بحث اصلا کسی وارد نشود. درباره تحریم، برجام و کرونا اصلا صحبتی نمی‌شود تا این موضوعات عامل تمایز و تفکیک افراد نشود. کاندیداها در برنامه‌های خود باید مشخص کنند کدام قشر جامعه را هدف‌گیری کرده‌اند، نمی‌توانند که از قشر محروم تا مرفه جامعه را هدف‌گیری کنند. اولا باید بگویند هدف‌گیری‌شان مربوط به کدام طبقه اجتماعی است. کاندیدایی که طبقه متوسط را هدف‌گیری می‌کند، باید مشخص کند در سبک زندگی، آزادی‌های اجتماعی چه کاری را انجام خواهم داد، چون به نظر می‌رسد در طبقه متوسط جامعه، این بحث‌ها مهم باشد. ما دو بار شانس داشتیم که اقتصاد کشور را از وضعیت فعلی رها کنیم. یک‌بار با خصوصی‌سازی بود که می‌توانستیم انقلاب اقتصادی ایجاد کنیم. اما به حدی بد اجرا شد که فرصتی برای اقتصاد کشور ایجاد نشد. دولت لاغرتر شد. در بحث هدفمندی یارانه‌ها هم نتوانستیم ظرفیت‌سازی کنیم. حالا یک ظرفیت دیگر به نام صادرات داریم که کم‌هزینه‌ترین کاری است که می‌تواند اقتصاد کشور را نجات دهد، اشتغالزایی کند، ظرفیت‌های صنعتی ایجاد کند، رشد اقتصادی را بهبود بخشد و نرخ ارز را کاهش دهد. ما این ظرفیت را داریم که دو برابر رقم فعلی صادرات داشته باشیم. ۴۰، ۵۰ درصد ظرفیت‌های تولید در کشور خالی است. مشکل ما، بازار است. اگر کاندیداها می‌توانستند به درستی این موضوع را تشریح کنند و بگویند تعهد می‌دهیم که با تعامل با کشورهای منطقه و دنیا، صادرات را ظرف دو، سه سال دو برابر کنیم، به انتخاب مردم کمک می‌کرد.